

واقعیات ژئوپولیتیک و الگوی مدیریت بحران هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

سید عبدالمجید زواری

گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سید جلال دهقانی فیروزآبادی^۱

استاد گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

محمد رضا دهشیری

استاد گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده روابط بین‌الملل، وزارت امور خارجه، تهران، ایران

حسن خداوردی

گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

چکیده

امروزه نقش هر کشور در سیاست جهانی تحت تأثیر عوامل ژئوپولیتیک آن است. به گونه‌ای که از دیدگاه جغرافیدانان سیاسی، قدرت هر کشور به شدت از ژئوپولیتیک و موقعیت جغرافیایی آن تأثیر می‌پذیرد. ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی آن، وضعیت ژئوپولیتیک منحصر به فردی را داراست. این موقعیت، ایران را تبدیل به کشوری جهانی کرده است که همواره در معادلات جهانی نقش برجسته‌ای به آن می‌دهد. بر این اساس، پژوهش مزبور با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال بررسی روند رویکردهای اتخاذی سه دولت‌های ج ایران در مدیریت بحران هسته‌ای است. در این تحقیق بر اساس هدف پژوهش، روش تحقیق برای تجزیه و تحلیل توصیفی و تحلیلی، استفاده از منابع کتابخانه‌ای و رسانه‌های داخلی و خارجی است تا توجیه قانع‌کننده‌ای برای استدال پژوهش پیدا کنیم. رابطه سیاست و فضای جغرافیایی رابطه‌ای دوجانبه و پویاست. هر سیاستی تظاهرات جغرافیایی / فضایی خاص خود را و هر فضای نیز سیاست‌های خاص خود را نیاز دارد. پس توجه به واقعیات جغرافیایی و ژئوپولیتیک می‌تواند عامل مهم و حیاتی در اتخاذ سیاست‌های اعمالی حکومت‌ها باشد. جمهوری اسلامی ایران در مدیریت بحران هسته‌ای که از سال ۱۳۸۲ شروع شد و با توافق برجام هرچند به صورت تعلیق یافته) پایان یافت سه رویکرد مختلف را اجرایی در مدیریت بحران هسته‌ای بکار برده است: ۱. سازش ۲. تقابل ۳. تعامل. که به جز رویکرد سوم یعنی مدیریت تعاملی با نگاه به منافع ملی، الگوهای مدیریت بحران هسته‌ای دیگر نتوانسته‌اند نقش موثری در حفظ و تامین منافع ملی داشته باشند.

کلید واژه: مدیریت بحران، آسیای غربی، ژئوپولیتیک.

^۱. (نویسنده مسئول): s.jalaldehghanifirozabadi@gmail.com

مقدمه

«ژئوپولیتیک» مرگب از دو واژه «ژئو» به معنای زمین و «پولیتیک» به معنای سیاست است. در فارسی، معادل‌هایی همانند «سیاست جغرافیایی»، «علم سیاست جغرافیایی» و «جغرافیا - سیاست‌شناسی» برای آن ذکر شده است. در انگلیسی، به آن «جیوپالیتیکس»^۱، در آلمانی به خاستگاه اصلی آن، گئوپولیتیک^۲ و در فرانسوی ژئوپولیتیک^۳ اطلاق شده است. در اصطلاح، «ژئوپولیتیک» رویکرد یا دیدگاهی برای سیاست خارجی است که هدف آن تبیین و پیش‌گویی رفتار سیاسی و توانایی‌های نظامی بر حسب محیط جغرافیایی است؛ بنابراین، رویکرد ژئوپولیتیک با تفاوت مراتب، بیانگر تأثیر جغرافیا در وقایع سیاسی و تاریخی می‌باشد از آن‌جا که ژئوپولیتیک در واقع، نتایج جغرافیایی یک سیاست است، در یک تحلیل ژئوپولیتیکی، اهتمام بر آن است که بین مراکز قدرت بین‌المللی و مناطق جغرافیایی رابطه برقرار شود و هدف از آن، تبیین نقش عوامل جغرافیایی در سیاست کشورهاست؛ زیرا وقایع سیاسی همیشه در یک محیط جغرافیایی اتفاق می‌افتد و عوامل جغرافیایی در روند پدیده‌های سیاسی تأثیرگذار است؛ چنانچه گفته شده: «بدون توجه به کلیه عوامل زیست‌محیطی، اعم از انسانی و غیرانسانی، ملموس و غیرملموس، محیط سیاسی بین‌المللی را به طور کامل نمی‌توان شناخت»؛ یعنی در عرصه روابط بین‌الملل، بازیگران سیاسی از آزادی تام برخوردار نبوده و به شدت متأثر از عوامل جغرافیایی هستند و از این‌رو، در تصمیم‌گیری‌ها محدودیت دارند.

در نظریه سیاسی - جغرافیایی، ساختار جغرافیایی منطقه‌ای که در آن اعمال قدرت می‌شود، از اهمیت خاصی برخوردار است. استادان فن برای تبیین این اهمیت، از قیاس با شطرنج بهره جستند که در آن، برای هر بازیکن، علاوه بر نوع و تعداد مهره‌ها، نحوه چیدن آن‌ها در کنار مهره‌های رقیب نیز نقش دارد. بر این اساس، می‌توان گفت: منطقه یا کشوری که به دلیل ساختار جغرافیایی ویژه مورد توجه قدرت‌های رقیب بوده و استعداد برقراری و یا برهم زدن بازی را دارا می‌باشد، حایز اهمیت سیاسی - جغرافیایی است. از این رو می‌توان گفت که رابطه سیاست و فضای جغرافیایی رابطه‌ای دوجانبه و پویاست. هر سیاستی تظاهرات جغرافیایی / فضایی خاص خود را و هر فضایی نیز سیاست‌های خاص خود را نیاز دارد.

کشور ایران با واقع شدن در یکی از حساس‌ترین موقعیت‌های ژئوپولیتیکی جهان، اکنون به یکی از کانونهای جاذبه دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است، از این رو این موقعیت باعث تأثیرگذاری ایران بر فرآیندهای جهانی و منطقه‌ای می‌شود. اوضاع و فرصت‌های خاص ژئوپولیتیکی ایران نظیر موقعیت جغرافیایی، (استقرار بین دو کانون عمده انرژی جهانی، تسلط بر خلیج فارس و تماس مستقیم با آب‌های جهان) دارا بودن منابع نفتی و گازی و غیر آن هر چند که به صورت بالقوه در برگیرنده امتیازات منحصر به فردی برای این کشور است، اما بهره‌مندی و فرآوری

1. Geopolitics
2. Geopolitike
3. geopolitique

آن مستلزم فهم ژئوپولیتیک و تدبیر و مدیریت سیاسی بهینه در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی ایران است. در این چارچوب می‌توان به مذاکرات هسته‌ای اخیر اشاره کرد. مسئله هسته‌ای ایران از سال‌های ۱۳۸۲ - ۱۳۸۱ با گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و حساسیت‌ها و واکنش‌های قدرت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به مسئله‌ای بین‌المللی تبدیل شد. این موضوع یعنی مسئله هسته‌ای یک نمونه واضح و مستدلی در استفاده از سیاست‌های مختلف در راستای منزلت و موقعیت ژئوپولیتیک ایران بوده که تاثیر این سیاست‌ها به صورت مختلفی خود را در افزایش یا کاهش وزن ژئوپولیتیک ایران در منطقه و جهان را نشان داده است؛ که می‌توان آن را در سه دوره‌ی مختلف با سه رویکرد مختلف به ترتیب ۱-سازش ۲- تقابلی ۳- تعاملی ذکر کرد؛ که تاثیرات اتخاذ هر یک از سیاست‌های مذکور در موقعیت ژئوپولیتیک ایران نمود روشنی داشته است. پژوهش مزبور با روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای به دنبال بررسی روند رویکردهای اتخاذی سه دولت‌های ج.ا.ایران در مدیریت بحران هسته‌ای است.

مبانی نظری پژوهش

ژئوپولیتیک

ژئوپولیتیک نماینده مبحثی است در باره مطالعه رقابت قدرت‌ها برای تسلط بر جهان (منطقه) با استفاده از امکاناتی که زمین (جغرافیا) در اختیار می‌گذارد. به گفته دیگر، هنگامی یک بحث به حقیقت بحث ژئوپولیتیک است که چهار رکن تکمیل‌کننده آن (رقابت، قدرت، سلطه، زمین) به صورت کاملاً تعریف شده در آن حضور داشته باشند (Mojtahedzadeh, 2007: 127-130). این روابط و کنش‌ها تابعی از راهبرد و موقعیت ژئوپولیتیک دولت‌ها و نیز ساختار نظام ژئوپولیتیک جهانی است. از این رو، همبستگی و هماهنگی بالایی میان ژئوپولیتیک و الگوی رفتار سیاست خارجی دولت‌ها برقرار است و بر اساس آن، راهبردهای ژئوپولیتیک طراحی و عملیاتی می‌شوند تا به ساختار روابط ژئوپولیتیک جهت و معنا بخشد. در بسیاری از نظریه‌های ژئوپولیتیک، دولت‌ها به منظور تأمین فضای حیاتی ناگزیر از قدرت‌یابی روزافزون از طریق نفوذ در دیگر قلمروها هستند (Ezati, 2007: 75).

جدول ۱. نقش تغییر محیط در تحلیل محتوای سیاست خارجی

ماهیت تفسیری و یا تبیینی فرضیات	ماهیت تحلیل	نسبت محیط (جغرافیا) با سیاست
تفسیر یا تبیین با توجه به تفسیر محیط بر تصمیمات سیاست خارجی در گذشته یا آینده	تحلیل سیاست خارجی با توجه ویژه به تأثیر محیط بر سیاست	تأثیر محیط بر ابعاد سیاست خارجی از طریق ادراک
تفسیر یا تبیین با توجه به پیامدهای عملیاتی تصمیمات سیاست خارجی در گذشته یا آینده	تحلیل محتوا از طریق توجه خاص به تأثیر محیط بر سیاست	تأثیر محیط عملیاتی بر تصمیمات، نتایج و ابعاد سیاست خارجی

(Criekemans, 2009: 21)

نظریه‌های ژئوپولیتیک یا دریامحور هستند (آلفرد تایر ماهان) یا خشکی‌محور (سر هالفورد مکیندر) و یا هر دو قلمرو را شامل می‌شوند (نیکولاس اسپایکمن). در این میان، فرآیند تدوین استراتژی ژئوپولیتیک مبتنی بر آگاهی و درک

درست از واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپولیتیک فضاهای جغرافیایی امکان‌پذیر است؛ از این طریق است که مدیران سیاسی و تصمیم‌گیران حکومتی قادر خواهند بود از طریق شناسایی ضعف‌ها و توانایی‌های فضاهای جغرافیایی ملی و مناطق استراتژیک به نتیجه‌گیری‌های اصولی و مطلوب در راستای توسعه ملی دست یابند. آگاهی از موقعیت‌های نسبی سرزمین ملی، ضعف‌ها و توانمندی‌های فضای ملی، آگاهی و شناخت دقیق از ماهیت تحولات منطقه‌ای، پیرامونی و جهانی، نقطه آغازین درک درست از فضاهای ملی و بین‌المللی و همچنین مانعی در راه تصمیم‌گیری‌های ذهنی و غیر واقعی در چارچوب اهداف و منافع ملی کشورها است.

ژئوپولیتیک و سیاستگذاری

از آنجا که امروزه روابط بین دولت و ملت و اشکالی که این روابط را شکل می‌دهند، به مهم‌ترین مباحث در جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک تبدیل شده‌اند، سیاست‌مداران و دولت‌مردان نیز در اداره امور کشورها، تنها در سایه دیدگاه‌هایی کلی از جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک، توانایی مناسب برای برخورد با مسائل جهانی، منطقه‌ای و ملی را به دست آورده‌اند؛ زیرا در دهه‌های اخیر جغرافیدانان سیاسی به نظریه‌های جدیدی دست یافته‌اند که در حل مسائل داخلی و خارجی بسیار موفقیت‌آمیز بوده‌اند. در این باره، ژئوپولیتیک نه تنها در سیاست‌گذاری‌های سطوح کلان کشور، سازمان‌های فراملی و برای تعیین قلمروها ضروری‌اند، بلکه در حوزه‌های مدرن و در روند تحولات جوامع از جمله در رسانه‌ها، گروه‌ها و موسسات خاص نیز تحت تفسیرهای ویژه سیاسی، بسیار اثرگذارند؛ زیرا تعاریف سنتی ژئوپولیتیک تمرکز خاصی بر سلامت جغرافیای کشورها داشت درحالی که یکی از ویژگی‌های عصر کنونی، جهانی شدن و الزامات همگامی با فرایند تحولات در روند جهان‌گرایی است. در این عصر ظاهراً دیگر نمی‌توان جهان‌سیاست را تنها با اعمال و فعالیت کشورها در حوزه‌های صرف سیاسی تعریف کرد. فرهنگ و سیاست ملی ظرفی نیستند که قادر به محدود کردن جریان اطلاعات، سرمایه و انسان‌ها باشند. جریان‌های بین‌المللی مالی، جریان‌های فرامرزی، الودگی‌های زیست‌محیطی، عقاید و جرایم بین‌المللی به اضافه فعالیت‌های محلی سازمان‌های غیردولتی، رویکردهای نوینی در جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک هستند، زیرا ظرف نگرش‌های ژئوپولیتیکی، محور عدم تفکیک میان سیاست‌های داخلی و خارجی در این عصر پرتلاطم است. بر این اساس، ژئوپولیتیک نه تنها پایان نیافته است، بلکه با تغییر در اولویت متغیرهای ژئوپولیتیکی بر محور تبیین روابط میان قدرت مردم بر جهان پیرامونشان با منابع و دانش آنها بنا گردیده است. در فرآیند توسعه شگرف تکنولوژیک، منابع فرهنگی از جمله رسانه‌ها به لحاظ تصویر برداری از دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی در اذهان بینندگان سراسر جهان، اساسی‌ترین محور ژئوپولیتیک در بررسی منابع عمومی برای اداره امور کشورها هستند (Rashnou, 2013:31-32).

_ ژئوپولیتیک و سیاست خارجی

هدف سیاست خارجی دستیابی به اهداف ملی مورد تعقیب در نظام جهانی و ابزارهای نیل به آنها است. از آنجا که تعقیب منافع و اهداف ملی در نظام جهانی متضمن ایجاد ارتباط و تعامل با دیگر کشورها است، سیاست خارجی تعیین‌کننده شیوه تعامل واحدهای سیاسی با همدیگر است. باین‌حال، سیاست خارجی یک مفهوم انتزاعی بوده و جنبه‌ای کلی داشته و قلمرو خاصی را دربر نمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر، سیاست خارجی رویکردهای نظری و اندیشه‌ای یک واحد سیاسی نسبت به محیط منطقه‌ای و جهانی است. هرگاه این رویکردهای نظری و اندیشه‌ای بُعد جغرافیایی به خود بگیرند، موضوعی ژئوپولیتیکی خواهند شد. از این‌رو، تمامی تصمیمات دستگاه سیاست خارجی بر مبنای محیط ادراک شده اتخاذ می‌شوند. در این خصوص می‌توان به الگوی روابط ژئوپولیتیکی قبل و بعد از جنگ سرد اشاره کرد. همان‌گونه که نظم جنگ سرد تحت تأثیر فشارهای جغرافیایی قرار داشت، نظم دوره پس از جنگ سرد نیز از این عوامل، مخصوصاً اهمیت مستمر مناطق و منطقه‌گرایی و همچنین نیروهای ساختاری موازنه قوای بین‌المللی تأثیر می‌پذیرد. تأثیر متقابل این فشارها یک رویکرد «جغرافیای ساختاری» از سیاست بین‌الملل را ایجاد می‌کند. علاوه بر این، از آنجا که کنش‌های فرامرزی کشورها بی‌واسطه با دو مفهوم قدرت و فضای جغرافیایی سروکار دارند، تصمیمات دستگاه سیاست خارجی ماهیتی ژئوپولیتیکی خواهند داشت. بر این اساس، همپوشانی روابط خارجی با واقعیت‌های ژئوپولیتیکی توجیه‌کننده اتخاذ استراتژی‌های ژئوپولیتیکی در دستگاه سیاست خارجی کشورها است. واقعیت‌های ژئوپولیتیک، پدیدارهای ژئوپولیتیک ناشی از تأثیر و تأثر عوامل جغرافیایی - محیطی و سیاست - قدرت بر همدیگر است که به عنوان عوامل و متغیرهای ژئوپولیتیک، گزینه‌های سیاست داخلی و خارجی دولت‌ها را در مسیر دستیابی به منافع ملی، در عرصه‌های ملی و فراملی تعیین می‌کنند و راهنمای تدوین کدهای ژئوپولیتیک هر حکومتی در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و جهانی با توجه به سطح قدرت ملی و وزن ژئوپولیتیک آنها است. علاوه بر واقعیت‌های ژئوپولیتیک، تصورات ژئوپولیتیک نیز بر استراتژی‌های فرامرزی دولت‌ها جهت و معنا می‌بخشند. دولت‌ها به عنوان بزرگ‌ترین بازیگران سیاسی، خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها و الگوهای رفتاری خود نسبت به یک فضا را بر اساس تصور ژئوپولیتیکی شکل می‌دهند؛ به طوری که عمل سیاسی یک کشور نسبت به یک کشور دیگر ناشی از تصور ژئوپولیتیکی آن می‌باشد. شکل‌گیری تصورات ژئوپولیتیکی یک کشور را می‌توان در منابع رسمی و غیر رسمی آن جستجو کرد. از مهم‌ترین منابع رسمی می‌توان به قانون اساسی و اسناد دولتی کشورها اشاره کرد که در آن استراتژی‌ها، برنامه‌ها، اهداف و ارزش‌های نظام‌های سیاسی بازتاب یافته است. از این‌رو، روابط و کنش‌های سیاسی دولت‌ها در عرصه جهانی تابعی از راهبرد و موقعیت ژئوپولیتیک آنها و نیز ساختار نظام‌های ژئوپولیتیکی است. در نتیجه، همبستگی و هماهنگی بالایی میان ژئوپولیتیک و الگوی رفتار سیاست خارجی دولت‌ها برقرار است و بر اساس آن، راهبردهای ژئوپولیتیکی طراحی و عملیاتی می‌شوند تا به ساختار روابط ژئوپولیتیکی جهت و معنا بخشد (<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940305000040>).

مدیریت بحران، علم و هنر برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری به صورت یکپارچه، جامع و هماهنگ است که با بهره‌گیری از ابزارهای در اختیار، تلاش میکند، خطرات ناشی از بحرانهای مختلف را براساس مراحل مختلف بحران کنترل نماید (سوادکوهی فر و ذکائی فاتح، ۰۱۰۱). مدیریت بحران علم نوینی است که در سطح کشوری، استانی و شهری میتواند شکلهای گوناگونی داشته باشد. در مدیریت بحران، خطرات بالقوه و منابع موجود مورد ارزیابی قرار گرفته و کوشش میشود که با برنامه‌ریزی‌های کارشناسانه بین منابع و توانایی‌های موجود و همچنین خطرات احتمالی، موازنه برقرار شود تا با استفاده از منابع موجود بتوان بحران را کنترل نمود. بحران از هر نوع که باشد، آثار قابل ملاحظه‌ای بر جامعه خواهد داشت. بحرانها از لحاظ ماهیت، بزرگی و شدت متفاوتند اما تمامی آنها عواقبی به بار می‌آورند که میتوانند تواناییهای عملکردی سازمانهای درگیر را مختل سازند. مدیریت یک بحران کار دشواری بوده و میتواند بسیار مایوس‌کننده باشد. اما بزرگترین اشتباه این است که تصور کنید جامعه ما از بحران مصون خواهد ماند و همواره باید به خاطر داشت که هیچ بحرانی دقیقا مشابه بحرانهای دیگر نیست، ولی با این وجود، تشابهات قابل توجهی بین آنها وجود دارد که کشف و درک این تشابهات، کلیدی جهت برنامه‌ریزی برای مقابله با بحران و تخفیف اثرات سوء آن خواهد بود (گرکز و همکاران، ۰۱۱۱). قسمتی از مدیریت بحران به پیشبینی و پیشگیری از وقوع بحران مرتبط بوده و قبل از وقوع رویداد مطرح است. قسمتی دیگر به بحرانهای جاری و حل و فصل آنها مربوط میشود. مدیریت بحران نظامی پویا است که با هدف کاهش احتمال وقوع بحران و کمیته‌سازی آثار و صدمات مربوط به آن و همچنین بازگرداندن سیستم به وضعیت عادی و معمولی طراحی شده است. در زمینه مدیریت بحران با توجه به تعاریف متفاوتی که از آن ارائه شده، آنچه که در میان بسیاری از اندیشمندان روی آن اجماع وجود دارد، وظیفه مدیریت بحران، کنترل بحران در زمان کوتاه با استفاده از بهترین اصول و روشها و ... است. در یک جمع بندی کلی، مدیریت بحران ناظر بر پنج مقوله؛ سازمان دهی، ارتباطات، تصمیم‌گیری، شناخت عوامل بحران و طراحی استوار است (حبیب زاده ملکی و جوادیان، ۰۱۱۰).

در ادبیات روابط بین الملل برای کنترل بحران و کاهش پیامدهای مخرب آن از اصطلاح مدیریت بحران استفاده می‌شود. بنابراین مدیریت بحران را می‌توان مجموعه راهبردهایی دانست که برای کمک به یک سازمان یا دولت هنگام مواجهه با یک رویداد منفی ناگهانی قابل توجه طراحی می‌شود (Zamoum Serra Gorpe, 2018: 3)

منطقه‌شناسی پژوهش

موقعیت ژئوپولیتیکی ایران

از آنجا که ژئوپولیتیک در واقع، نتایج جغرافیایی یک سیاست است، در یک تحلیل ژئوپولیتیکی، اهتمام بر آن است که بین مراکز قدرت بین‌المللی و مناطق جغرافیایی رابطه برقرار شود و هدف از آن، تبیین نقش عوامل جغرافیایی در سیاست کشورهاست؛ زیرا وقایع سیاسی همیشه در یک محیط جغرافیایی اتفاق می‌افتد و عوامل جغرافیایی در روند پدیده‌های سیاسی تأثیرگذار است؛ چنانچه گفته شده: بدون توجه به کلیه عوامل زیست‌محیطی، اعم از انسانی و

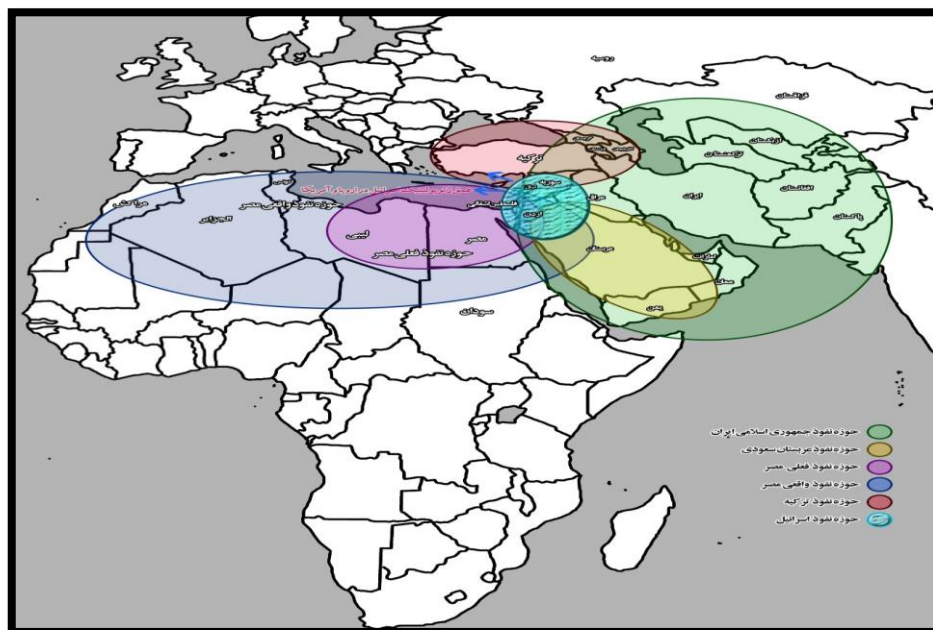
غیرانسانی، ملموس و غیرملموس، محیط سیاسی بین‌المللی را به طور کامل نمی‌توان شناخت؛ یعنی در عرصه روابط بین‌الملل، بازیگران سیاسی از آزادی تام برخوردار نبوده و به شدت متأثر از عوامل جغرافیایی هستند و از این رو، در تصمیم‌گیری‌ها محدودیت دارند (Doerti&Faltz Graf, 1993:103). از این رو باید خاطر نشان کرد که هر حوزه منطقه‌ای دارای قواعد رفتاری ویژه‌ای می‌باشد؛ بنابراین کشورهای منطقه‌ای، قدرت‌های بزرگ و همچنین جمهوری اسلامی ایران نقش‌های منطقه‌ای منحصر به فردی را در هر سیستم تابع منطقه‌ای ایفا می‌کنند (Mohamadi&Motaghi, 2000:139). امروزه، از نظر موقعیت ژئوپولیتیک جهانی، اگر نظام جهانی یک پیکر واحد در نظر گرفته شود، ایران، قلب این پیکره جهانی محسوب می‌شود. در مقابل، امریکا طی نیم قرن تلاش نموده است تا به مغز جهان تبدیل شود... (<http://shehr.persiangig.com/iran.pdf>).

نظریه‌پردازان معروف در اندیشه‌های خود موقعیت ایران را نادیده نگرفته‌اند و نقش بی‌نظیر این کشور را در تأثیرگذاری بر مسائل مختلف جهانی مطرح کرده‌اند. مکی‌ندر، ایران را به دو بخش تقسیم می‌کند. از ارتفاعات البرز به سمت شمال را جزء هارتلند یا قلب زمین و از البرز به سمت جنوب را جزء هلال داخلی می‌داند. ماهان در نظریه قدرت دریایی، برای ایران موقعیت گذرگاهی قائل بود که در مسیر دسترسی قدرت ببری (زمینی) روسیه به اقیانوس‌های جهان قرار دارد. ایران در نظریه اسپایکمن، بخش مهمی از ریملند است و به همین دلیل، موضوع رقابت دو قدرت ببری (زمینی) و بحری قرار گرفته است. کوهن، هر چند در نظریه سیستمی خود از ایران به عنوان عنصری بی‌قرینه و کشوری بنیادگرا یاد می‌کند ولی در نظریه ساختار ژئوپولیتیک جهان، ایران را بخش مهم منطقه خرد شده خاورمیانه می‌داند که می‌تواند منشأ تحول باشد. از نظر هانتینگتن، ایران مرکز تمدن اسلامی است که اتحاد آن با تمدن کنفوسیوسی می‌تواند پایه‌های تمدن غرب را متزلزل سازد. مجتهدزاده، ایران را هارتلند جدیدی در ژئوپولیتیک پست مدرن تصور می‌کند و فولر از آن به عنوان قبله عالم یاد می‌کند. ایران در دیدگاه توال، سرچشمه تحرک و پویایی جهان تشیع و جهان اسلام است. برژینسکی نیز با توجه دادن دولتمردان امریکا به واقعیت‌های ایران، راه‌کارهای منطقی را به آن‌ها پیشنهاد می‌دهد. از نظر اریک ریتر، ایران به عنوان یک عامل مهم تأثیرگذار در جهان اسلام و آسیای مرکزی باقی خواهد ماند. (Ahmadi, 2005:295).

موقعیت ژئوپولیتیکی ایران، در ساختار فضائی ژئوپولیتیک جهانی همراه با دارا بودن کدهای ژئوپولیتیک مؤثر و خیلی قوی در داخل کشورهای همسایه و منطقه خاورمیانه، به گونه‌ای است که قدرت‌های جهانی و نیز کشورهای هم منطقه با ایران را نسبت به تغییر در وزن ژئوپولیتیکی و تحولات داخلی و خارجی خود بسیار حساس کرده است؛ زیرا در بسیاری از موارد منافع ملی کشورهای منطقه و منافع بازیگران داخلی کشورهای منطقه در رابطه مستقیم با شرایط ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک ایران و تصمیمات رأس نظام سیاسی ایران قرار دارد (نقشه شماره ۱). در سطح جهانی اهمیت موقعیت ژئوپولیتیکی ایران به گونه‌ای تشریح شده است که آن را هارتلند ژئوپولیتیک قرن بیست و یکم و در قلب منطقه بیضی شکل انرژی استراتژیک، قرار داده است. به طوری که هرگونه تغییری در وضعیت

ژئوپولیتیک ایران، شرایط ژئوپولیتیک کشورهای منطقه خاورمیانه را بر هم زده و در سطح جهانی تغییرات و تبعات ژئواستراتژیک بر جای می‌گذارد.

نقشه شماره ۱. حوزه نفوذ قدرت های منطقه ای آسیای جنوب غربی



منبع؛ مجتهدزاده، اسناد مربوط به سخنرانی موسسه ندا، ۱۳۹۴/۴/۲

هم اکنون کشور ایران به صورت بالقوه یکی از پانزده کشور قدرتمند جهان است؛ اما از آنجایی که سیاست خارجی و عملکرد دولت‌ها برگرفته از محیط ژئوپولیتیک و ایجاد شرایط تعامل در مجموعه‌ایی از رفتارهای مکانی و زمانی آنان است، جمهوری اسلامی ایران نیز به رغم برخورداری از موقعیت استراتژیک، به لحاظ نبود هماهنگی مؤثر میان جنبه‌های فیزیکی و نرم‌افزاری در سیاست خارجی، فاقد جایگاه متناسب در صف‌بندی‌های نظام جهانی بوده و با رشد روزافزون هزینه‌های بین‌المللی روبه‌روست. گشایش در این مسأله، مستلزم طراحی و اجرای سیاست خارجی بر مبنای ژئوپولیتیک (موقعیت، وضعیت، منابع انرژی، ایدئولوژی، قلمرو فرهنگی و...) همراه با تعامل مؤثر و ایجاد درکی متقابل از شرایط زمان و مکان است؛ بنابراین، با بی‌توجهی به این شرایط و در صورت توسعه تهدیدات متقابل، ضمن فراهم شدن زمینه‌های اساسی در افزایش هزینه‌ها و تحریک بی‌اعتمادی بین‌المللی و نیز با کاهش نیاز بین‌المللی به کارکردهای ژئوپولیتیک کشور، تدریجاً هم‌افزایی در تولید تهدیدات ژئوپولیتیک، جانشین امنیت ژئوپولیتیک ایران می‌شود (Rashno, 2001).

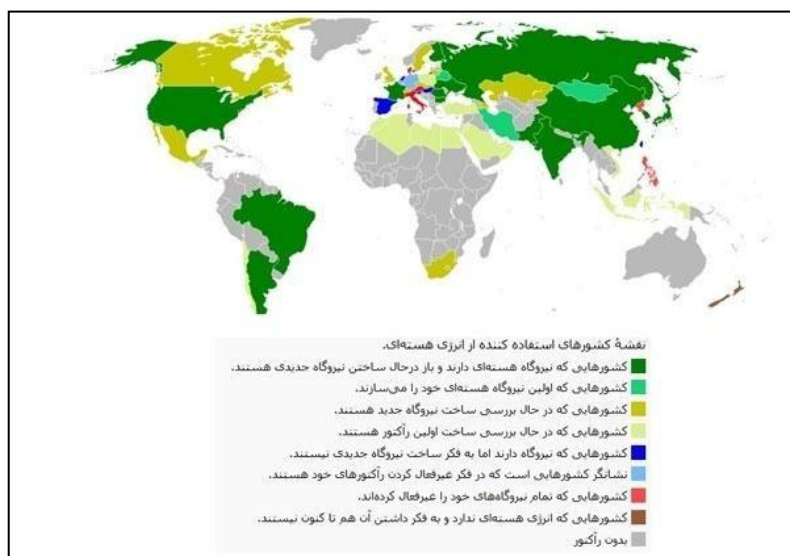
ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در مرکز جهان اسلام و در قلب جهان تشیع، واقع شده است که در ترکیب با عوامل و عناصر ژئوپولیتیک مهم دیگری چون ژئوپولیتیک انرژی، ژئوپولیتیک دسترسی و ژئوپولیتیک سلطه، موقعیت ژئوپولیتیک بسیار حساس را در خود می‌بیند. این موقعیت باعث شده است تا تحولات ایران در مرکز توجهات

قدرت‌های جهانی و کشورهای منطقه باشد که در ترکیب با سابقه تاریخی ملت ایران و پتانسیل‌های ملی، چرخه و سیکل تغییرات، موقعیت ژئوپولیتیک بسیار سریعی را برای آن به دنبال داشته است. ایران از سه بعد «ژئوپولیتیک»، «انرژی» و «فرهنگی - ایدئولوژیک» ظرفیت و توانایی تأثیرگذاری بر نظام بین‌المللی^۱ را دارد. افزون بر آن، ایران، خود زمانی تشکیل دهنده ی نظم بین‌المللی بوده است. از نظر ژئوپولیتیک، موقعیت جغرافیایی ایران به نحوی است که در همسایگی قدرت‌های مهمی چون روسیه و حوزه ی نفوذ امریکا (جنوب خلیج فارس) قرار دارد. قرار گرفتن در مناطقی که قدرت‌های بزرگ، منافع حیاتی برای خود قائل‌اند، به طور طبیعی، جایگاه کشور را در تعامل میان قدرت‌های بزرگ افزایش می‌دهد. از نظر اقتصادی شاهراه‌های بزرگ تجاری جهان در دریا و خشکی یا از ایران یا از نزدیکی ایران می‌گذرند و بر این اساس، ایران با پانزده کشور همسایه دارای مرز آبی و خاکی است، ضمن این‌که با برخوردای از بخش قابل توجهی از انرژی جهان، داشتن تسلط ژئوپولیتیکی بر بیش از نیمی از ذخایر انرژی دنیا در منطقه ی خلیج فارس جایگاه مهم در میان کشورهای صادرکننده نفت (اپک) و نهایتاً، نقش بالقوه ایران در تأمین امنیت اقتصادی و انرژی به عنوان سوخت سیاست در جهان برجستگی خاصی دارد. به دلیل اهمیت و حساسیت این موقعیت ژئوپولیتیکی است که قدرت‌های بزرگ، مانع تقویت و نقش آفرینی یک ایران ناهماهنگ با نظام بین‌المللی می‌باشند. (Ezedi&Kholghi,2011:43-67).

رویکرد ژئوپولیتیک در مسئله هسته ای ایران

اگرچه در نظام رقابت‌های ژئوپولیتیکی کنونی توسعه تکنولوژی هسته ای برای گستراندن توان تولید انرژی و توسعه اقتصادی ارزیابی می‌شود، ولی هیچ کس قادر نیست که تاثیر ژرف بالقوه های استراتژیکی صنعت هسته ای بر معادلات ژئوپولیتیکی را نادیده انگارد. به دلیل همین وضعیت ژئوپولیتیکی است که قدرت‌ها می‌کوشند از راه ایجاد موازنه های ژئواستراتژیکی صلح و امنیت را برای منطقه خود تضمین کنند، آنچنان که جنگ‌های بی پایان قدرت‌های اروپایی فقط در پایان جنگ جهانی دوم و با تولید سلاح اتمی در کشورهای رقیب، صلح و امنیت پایدار نیمه دوم قرن بیستم و دهه های آغازین قرن بیست و یکم را تضمین کرده است و امریکا و شوروی در دهه ۱۹۵۰ و هند و پاکستان در دهه ۱۹۹۰ این واقعیت را ثابت کردند (www.Khabaronline.ir). در جهان ۳۱ دولت به انرژی هسته ای دست یافته اند که همگی از کشورهای توسعه یافته و کشورهای دارای رشد فزاینده ی اقتصادی هستند. در این کشورها در مجموع ۴۴۳ نیروگاه هسته ای فعال است که ۱۷ درصد از کل انرژی دنیا را تولید می‌کنند. از این تعداد فقط ۹- کشور دارای فناوری غنی سازی هستند که شامل پنج کشور عضو دائم شورای امنیت یعنی ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، فرانسه و انگلستان و چهار کشور هندوستان، پاکستان، رژیم صهیونیستی و آفریقای جنوبی است. این کشورها دارای بالاترین قدرت ملی و وزن ژئوپولیتیکی در جهان هستند و از این مولفه قدرت برای افزایش قدرت چانه زنی خود در نظام جهانی به خوبی بهره برده اند. (نقشه ی شماره ۱) (Ahmadipour,2008:15).

^۱ در مباحث ژئوپولیتیک اصطلاح نظام جهانی درست است.



نقشه شماره ۱: کشورهای استفاده کننده از انرژی هسته ای

مجادله سیاسی قدرت‌ها در خصوص موضوع فناوری هسته ای جمهوری اسلامی ایران که ریشه اصلی آن عمدتاً در تعارضات ایدئولوژیک نهفته است، در سالهای اخیر فراهم کننده بستر مهیجی در جهان سیاست بوده و تحولات ناشی از آن نیز همواره منجر به شکل گیری دور جدیدتری از صف بندی قدرت‌ها و تداوم پیچیدگی‌های استراتژیک در نظام بین الملل بوده است. در سال ۱۳۸۲ با مطرح شدن تدریجی این موضوع در فضای بین المللی، مذاکرات پیچیده آن به میزبانی شهرهای ژنو، استانبول، وین، مسکو، بغداد، آلمانی و لوزان سوئیس با دو هدف اثبات ماهیت صلح آمیز بودن برنامه هسته ای از سوی ایران و نیز تضمین لغو تحریمها از سوی گروه ۵+۱ تا دستیابی به برنامه اقدام مشترک در ژنو (۱۳۹۳) و صدور بیانیه لوزان در فروردین ۱۳۹۴، همواره با کش و قوسهای متعدد تبلیغاتی، سیاسی و امنیتی همراه بوده است .

با این حال، استمرار مذاکرات با گزارشهای متناقض آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) از نحوه همکاری ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد جریان یافته، بنحوی که در طی سنوات فوق منجر به تصویب قطعنامه‌های بین‌المللی ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵، ۱۹۲۹ علیه فعالیت‌های فناوری هسته ای ایران در سازمان ملل گردیده است. در این شرایط، ایالات متحده آمریکا با همراهی برخی از قدرتهای غربی و تحت فشارها و هماهنگی میان دلارهای نفتی برخی از رژیمهای ثروتمند عربی و با نفوذ گسترده لابی رژیم صهیونیستی اسرائیل، تاکنون ضمن تاکید بر اولویت به کارگیری نگرش‌های نرم در استراتژی سیاست خارجی، استفاده از تاکتیک دیپلماسی هوشمندانه و اعمال تحریم‌های موثر بخصوص دربخشهای ارزی، پتروشیمی، قطعات اساسی و انرژی را با هدف ممانعت ازغنی سازی اورانیوم، مبنای برنامه مقابله با فناوریهای هسته ای ایران قرارداده و همواره به دنبال تحقق اجماع گسترده بین‌المللی علیه ایران بوده اند (<http://fararu.com/fa/news/231201>).

موانع اصلی بازدارنده ایالات متحده در راه رسیدن به توافق با ایران از راه های صلح آمیز را اسرائیل از سال ها پیش به وجود آورد و در حقیقت پیشینه مخالفت های سرسختانه اسرائیل با تاسیس و توسعه صنعت هسته ای در ایران را باید در دهه ۱۹۷۰ جست و جو کرد: هنگامی که دولت وقت ایران به راهنمایی و تشویق ایالات متحده کار تاسیس این صنعت را آغاز کرد. علت این مخالفت البته جنبه ای ژئوپولیتیکی داشته و دارد، چون در نظام ژئوپولیتیکی آن روزگاران و هم امروز تکنولوژی هسته ای از دید توان تولید سلاح اتمی ارزیابی شده و می شود و اسرائیل به هیچ وجه حاضر نبوده و نیست که قدرتی مانند ایران در منطقه خاور میانه را در همآوردی اتمی خود ببیند و این منطقه را از دید توان اتمی در توازن استراتژیکی معقولی بیابد. از میان چهار قدرت اصلی در منطقه ای که اصطلاحاً «خاور میانه» شناخته می شود، یعنی ایران، ترکیه، مصر و اسرائیل، کشور اخیر تنها قدرتی است که موازنه های موجود ژئوپولیتیکی دهه ۱۹۷۰ را از حد داشتن سلاح های غیر هسته ای فراتر برده و شایع کرد که حتی در آن دهه شمار کلاهک های اتمی تولید شده اش از دویست هم افزون تر است. اگرچه اسرائیل هرگز این شایعه را به عنوان یک واقعیت نپذیرفته و تایید نکرده است تا مبادا با رسمیت دادن به این احتمال رقیبان منطقه ای خود را تشویق به اندیشه در راه ایجاد موازنه های جدید کند و اگرچه رقیبان منطقه ای اسرائیل هرگز رسماً و علناً احتمال وارد شدن به مسابقه تسلیحات اتمی با اسرائیل را مطرح نکرده اند این کشور از هیچ تلاش و کوششی برای جلوگیری از بروز هرگونه احتمالی در این راستا که برابر با از میان رفتن برتری استراتژیکی اش در منطقه قلمداد خواهد شد، فروگذار نیست. مخالفت شدید با حصول هرگونه توافق میان پنج به اضافه یک با ایران برای حل مساله خود آفریده غرب در باره برنامه هسته ای ایران باید برای ریشه کردن همین احتمال از جانب ایران ارزیابی شود. این مخالفت شدید اسرائیلی با احتمال اتمی شدن ایران به همان آغاز برنامه انرژی هسته ای ایران در نظام حکومتی پیشین بر می گردد (www.khabaronline.ir).

از دیگر دلایل این مقاومت و مخالفت در جریان هسته ای ایران همان افزایش وزن ژئوپولیتیکی و قدرت چانه زنی ایران در منطقه و جهان است که نتیجه آن افزایش مرزهای ژئوپولیتیکی و همینطور حوزة نفوذ ایران در منطقه می باشد که با مسئله رقابت های ژئوپولیتیکی در منطقه نیز ارتباط زیادی دارد (Ahmadipour,2008). همینطور ترس از ظهور ایران بعنوان یک هژمون منطقه ای، از عوامل موثر بر نگرش امنیتی کشورهای غربی نسبت به برنامه هسته ای ایران است. پس از جنگ سرد، بیشترین تهدیدات امنیتی ایالات متحده آمریکا در سطح منطقه ای بوده و ایالات متحده برای تحکیم موقعیت خود در نظام بین الملل نیازمند حضور در مناطق استراتژیک جهان مانند خاورمیانه است. برخی از دولت ها نیز در تلاش برای تبدیل شدن به هژمون منطقه ای اند که ایران از جمله این کشورهاست (Ghahramanpour,2008:104). از آنجاییکه در نظام مبتنی بر ثبات هژمونیک، امکان حضور هژمون های منطقه ای که قدرت هژمون جهانی را به چالش بکشند، وجود ندارد، لذا ایالات متحده آمریکا تلاش کرده است تا مانع تبدیل شدن ایران به یک کشور قدرتمند در خاورمیانه شود (Larijani,2005:8).

رویکردهای مدیریت بحران هسته ای ایران

همانگونه که عنوان شد، کشور ایران به لحاظ ویژگی‌ها و امتیازات ژئوپولیتیک در سیاست جهانی از موقعیت خاصی برخوردار است. این امر در سده اخیر باعث ارتباط دائمی این کشور با قدرت‌های جهانی را باعث شده است. مسئله هسته‌ای ایران یکی از مهمترین مسائلی است که در یکی دو دهه اخیر هموار در راس ارتباط ایران با قدرت‌های جهانی بوده است. سیاست هسته‌ای با برجسته‌تر شدن فعالیت هسته‌ای ایران از سال‌های ۱۳۸۲ - ۱۳۸۱ و موفقیت آن در دستیابی به تکنولوژی چرخه کامل سوخت هسته‌ای شکل تازه‌ای به خود گرفت. این سیاست با واکنش قدرت‌های جهانی همراه بوده است. در این راستا ایالات متحده آمریکا در رابطه با ایران نوعی دیپلماسی اجبار را اختیار کرده بود که هدف نهاییش برچینش هسته‌ای است. مقاومت ایران و در نتیجه ناتوانی آمریکایی‌ها از اجرای این استراتژی با استفاده از دیپلماسی تا کنون یکی از دلایل استمرار مناقشه هسته‌ای ایران بوده است (Mojtahedzadeh, 2010:7) که در مقابل این دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران نیز رویکردهای را اتخاذ کرده است. رویکردهای مذکور در سه دوره و با سه شیوه مختلف بوده است که در زیر به هرکدام پرداخته خواهد شد:

۱- دوره‌ی اول (سازش):

دولت جمهوری اسلامی ایران در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ (۲۹ مهر ۱۳۸۲)، وزرای خارجه سه کشور تروئیکای هسته‌ای اتحادیه اروپا (فرانسه، بریتانیا و آلمان) را به ایران دعوت کرده و در پی مذاکرات تصمیم گرفته شد ایران به صورت کامل با آژانس انرژی اتمی همکاری نماید تا تمام ابهامات و سوالات باقی مانده آژانس مرتفع شود. به این منظور دولت با امضای پروتکل الحاقی و قبل از تصویب آن در مجلس شورای اسلامی در راستای فرایند اعتماد سازی، تصمیم گرفت این پروتکل را اجرا و تمام فعالیت‌های غنی سازی اورانیوم و بازفرآوری را معلق نماید. دولت وقت جمهوری اسلامی در نوامبر ۲۰۰۳ به دنبال سفر وزیر ای خارجه سه کشور تروئیکای اتحادیه اروپا اعلام کرد تعلیق موقت غنی سازی را به صورت داوطلبانه و محدود پذیرفته و به دنبال آن در تاریخ ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳ (۲۷ آذر ۱۳۸۲) به منظور اثبات عدم انحراف در فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای خود و در راستای فرایند اعتماد سازی و شفاف سازی، پروتکل الحاقی را امضا و به صورت داوطلبانه و موقت به اجرا درمی آورد (Diavarpouraghdam, 2008:44).

هرچند از طرف دولت وقت دلایلی از جمله:

- در آن مقطع نو محافظه کاران کاخ سفید به دلیل موفقیت در افغانستان و عراق در موضع غرور و افتخار به سر می بردن.

- عدم آمادگی کشور برای مقابله با تبعات احتمالی ارجاع پرونده به شورای امنیت (تحریم، تعرض نظامی به ایران و...).

-در شهریور ۱۳۸۲ پرونده هسته جمهوری اسلامی ایران در آستانه ارجاع به شورای امنیت قرار داشت. عدم تمکین به الزامات قطعنامه سپتامبر-۲۰۰۳ به معنای احراز شرایط مواد ۱۸ و ۱۹ اساسنامه آژانس و ارجاع پرونده به شورای امنیت بود.

-همکاری ایران باعث شد هیچ گونه سند محکمه پسندی دال بر انحراف فعالیت های صلح آمیز هسته ای ایران یافت نشود.

-گزارش پرونده به شورای امنیت، انزوای اولیه ایران و تبدیل سریع منازعه به موضوعی امنیتی را باعث می شد؛ زیرا ایالات متحده می توانست موضوعات مورد مناقشه دیگری نیز در زمینه تروریسم، فعالیت های موشکی و حقوق بشر را به پرونده ای هسته ای ایران الحاق نماید.

-قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۳ نشان داد که همگرایی رو به افزایشی نسبت به تعلیق حداقل بخشی از فعالیت های هسته ای ایران حتی در میان کشورهای اسلامی و همسایه وجود دارد، زیرا برخی یافته های آژانس بین المللی انرژی اتمی و برخی قصورهای تهران باعث شده بود به دلیل جنگ رسانه ای، زمینه های باور پذیری در جامعه بین المللی افزایش یابد و تعلل بیشتر تهران می توانست به ایجاد جبهه ای فراگیر و منسجم در مقابل برنامه ای اتمی ایران منجر شود و خواسته تعلیق را به توقف دائم تبدیل کند.

-اختلافات سیاسی داخلی در مقطع بروز بحران تا آن اندازه بالا گرفته بود که مانع عظیمی در مقابل فرایند عقلانی کنترل منازعه محسوب می شد و هر گروه، دیگری را به خیانت، غفلت و بی اطلاعی محکوم می نمود.

-سرمایه گذاری کاهش و رشد اقتصادی بار دیگر به درجه E تنزل یافته بود و شرکت های بیمه گذار بین المللی همکاری خود را با ساختار داخلی ایران را به حداقل رسانده بودند (Ibid).

اتخاذ این رویکرد (سازش) از سوی دولت وقت همواره با تبلیغ سمت گیری خردمندانه و عقلایی در جهت جلب اعتماد قدرت ها همراه بود است که موارد بالا یکی از این توجیها و تبلیغات می باشد؛ اما عدم توجه به این نکته که مشکل قدرت ها با ایران در آن مقطع و در حال حاضر این است که نمی تواند باور کند ایران بر اساس منطق دولت_ملت در نظام بین الملل معاصر عمل کند یعنی بعنوان بازیگری خردمند که به محاسبه سود و زیان به دنبال منافع ملی خود است. اتخاذ این رویکرد (سازش) در دوره اول ایران را تماما تسلیم سازمان های و قدرت ها جهانی و معاهداتشان کرد. به طوری که ما اسیر رقیب و وادار به عقب نشینی های بیش از حد در مقابل خواست طرف مقابل شدیم. از طرف دیگر این واژدگی منجر به درخواست های بیشتر طرف های مقابل برای رو کردن داشته های ایران (Falahi,2007:66) و حتی کاهش قدرت منطقه ای ایران نیز شد و این عامل پیامدهای مضر زیادی را برای منافع ملی و جایگاه ژئوپولیتیک ایران به بار آورد.

با این وجود ذکر این نکته لازم است که سیاست خارجی هر کشوری در عرصه های جهانی زمانی از کارایی و تاثیرگذاری برخوردار است که براساس واقعیات ژئوپولیتیک و تعامل با محیط داخلی در جهت منافع ملی تنظیم شده

باشد؛ و این مهم زمانی میسر است که موقعیت ژئوپولیتیک و گفتمان حاکم بر آن دوره رو شناخته و بر اساس آن منافع ملی را تعریف کرد.

یا به عبارتی می‌توان گفت که رابطه سیاست و فضای جغرافیایی رابطه‌ای دوجانبه و پویاست. هر سیاستی تظاهرات جغرافیایی/ فضایی خاص خود را و هر فضایی نیز سیاست‌های خاص خود را نیاز دارد. کشور ایران با واقع شدن در یکی از حساس‌ترین موقعیت‌های ژئوپولیتیکی جهان، یکی از کانونهای جاذبه دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی است، از این رو این موقعیت باعث تأثیرگذاری ایران بر فرآیندهای جهانی و منطقه‌ای شده است؛ اما بهره‌مندی و فرآوری آن مستلزم فهم ژئوپولیتیکی و تدبیر و مدیریت سیاسی بهینه در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی ایران است.

با این اوصاف باید گفت که در هیچ وضعیتی حتی شرایطی که به عنوان توجیحات سازش در قضیه هسته‌ای آمده است آنهم شرایط بالا که بیشتر بر اساس خیالات و تصورات غیر واقعی منبعث از تبلیغات و جوسازی رسانه‌های غربی بوده است اتخاذ چنین رویکردی بدون ذره‌ای توجه به ارزش و جایگاه ژئوپولیتیک ایران در منطقه و جهان طرح‌ریزی و عملیاتی شده است زیرا این سیاست‌شان هیچ کشوری نیست، آنهم کشوری با جایگاه ژئوپولیتیکی مهم و بارزشی چون ایران. کشوری که در شرایط فعلی جهانی بخواهد سیاست‌های خود را مطابق با خواست و موازین قدرت‌های جهانی تنظیم و اجرا کند، در حقیقت نمی‌توان آن را یک کشور مستقل نامید تا از سیاست خارجی آن سخنی به میان آورد و در واقع سالبه به انتقای موضوع است (Etaat,2013:104).

۲- سیاست تقابلی (اعتراضی):

در ژوئیه ۲۰۰۵ (تیرماه ۱۳۸۴) به دنبال انتخاب دکتر محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری ایران، اعلام شد جمهوری اسلامی ایران تعلیق داوطلبانه را لغو و فعالیت‌های UCF اصفهان را تحت نظارت آژانس ادامه می‌دهد. انتخاب محمود احمدی نژاد با واکنش‌های متفاوتی همراه شد. از یک طرف تبلیغات رسانه‌های غربی و صهیونیستی، جبهه‌های مختلفی در دنیا علیه ایران گشود و از طرف دیگر از آنجا که رئیس‌جمهور وقت در برنامه‌های انتخاباتی خود بر قاطعیت و عدم مصالحه بر سر انرژی هسته‌ای تأکید نموده بود، بسیاری از انتخاب‌وی‌ها را نشانه‌ی حمایت قاطع مردم از استراتژی وی در برخورد با مسئله‌ی هسته‌ای عنوان نمودند. به دنبال آن در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۵ (۲۷ شهریور ۱۳۸۴) رئیس‌جمهور احمدی نژاد در راستای تداوم دیپلماسی فعال هسته‌ای، در مقر سازمان ملل ابتکار هسته‌ای خود را بیان کرد. ایشان در سخنرانی خود با اشاره به برخورد دوگانه غرب، آپارتاید هسته‌ای و خلا ضمانت اجرایی NPT برای خلع سلاح فراگیر، پیشنهاد کردند مجمع عمومی، کمیته‌ی ویژه‌ای برای مقابله با تکثیر تسلیحات هسته‌ای و رفع آپارتاید هسته‌ای مشخص کند که یکی از کارویژه‌های آن تهیه گزارش جامع در مورد چگونگی انتقال مواد، فناوری و تجهیزات ساخت سلاح هسته‌ای به رژیم صهیونیستی باشد. رئیس‌جمهور همچنین اعلام کرد جمهوری اسلامی ایران جهت تقویت فرایند شفاف‌سازی و اعتمادسازی، حاضر است

به طور جدی با بخش های خصوصی و دولتی سایر کشورها در تولید سوخت هسته ای مشارکت نماید (Dlavarpouraghdam:48).

این دیپلماسی (تقابلی) دولت وقت ضمن ارجاع پرونده ی هسته ای ایران به شورای امنیت سبب شد قدرت های بزرگ، در بازی کاملاً سیاسی تعلیق را که قبلاً امری دواطلبانه از طرف ایران اعلام شده بود، الزامی کنند. علاوه بر این دامنه تعلیق را به حدی گسترده کنند که هم تعلیق آب سنگین اراک را در بر گیرد و هم قطعنامه ی ۱۷۳۷ حتی حق ساخت و ساز مربوط به فعالیت های هسته ای نیز از ایران سلب شود. برداشتن تعلیق نیز در صورتی امکانپذیر است که بر اساس شروط غیره اجرایی ۱+۵ اولاً تماماً برطرف شود، ثانیاً آژانس قادر باشد بگوید هیچ ماده هسته ای اعلام نشده ای در ایران نیست ثالثاً در رابطه با فعالیت های صلح آمیز هسته ای اعتماد کامل جهانی تامین شود و این یعنی تعلیق نامحدود؛ زیرا معلوم نیست چند سال طول بکشد تا این شروط تحقق یابند.

و همینطور با قطعنامه ی ۲۰۰۵ و گزارش پرونده ی هسته ای ایران به شورای امنیت سه قطعنامه ۱۶۹۶، ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ علیه ایران صادر شد. به این ترتیب پس از پایان جنگ تحمیلی و از شانزده سال پیش تا کنون شاهد سه قطعنامه شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران هستیم که هر سه نیز در زمان دولت نهم و ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد و در رابطه با پرونده هسته ای ایران است.

این رویکرد یعنی تقابلی (تهاجمی) علاوه بر این که ایران را با وجود جایگاه باارزش ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک به سمت انزوای پیش برد و در جاهایی نیز محقق گردید به اجماع بین المللی و تحریک افکار عمومی دنیا علیه فعالیت های هسته ای ایران نیز منجر شد. رفتن ایران به شورای امنیت کاملاً در راستای اهداف ایالات متحده آمریکا بود و پس از مدت ها این دیپلماسی توانست اتخاذ این رویکرد توانست ایران را به جایی ببرد که بیرون آمدن از آن هزینه های گزافی را به دنبال خواهد داشت. از دیگر پیامدهای اتخاذ این رویکرد این بود که ایالات متحده آمریکا نخست ایران را ذیل فصل هفتم قرار داد و سپس با اعمال ماده ۴۱ و آغاز تحریم ها علیه ایران درصد شد آن را به مسئله امنیتی تمام عیاری تبدیل کند تا راه برای اعمال ماده ۴۲ و تغییر رژیم را فراهم آورد. ضعف مهم این رویکرد این بود که بازی را آنگونه پیش برد که ایالات متحده آمریکا می خواست (Falahi,79). این رویکرد بیشتر از آنکه تابع جریانات و الگوهای رفتاری حاکم بر نظام جهانی و واقعیات ژئوپولیتیک باشد ناشی از باورها و آرمان های شخصی و یا جریان های حاکم می باشد.

۳- رویکرد تعاملی

منظور از جهت گیری تعاملی آن است که یک کشور ضمن حفظ استقلال خویش به منظور تعقیب منافع ومصالح ملی در یک فرایند داده - ستانده با نظام جهانی تعامل مثبت برقرار کند. مهم ترین موضوع در این فرایند، شناخت ظرفیت اقدام یک واحد سیاسی است که آن توانمندی ها را دستمایه و پشتوانه رفتار بین المللی خویش می کند تا با استفاده از ظرفیتهای بین المللی اهداف سه گانه سیاست خارجی که همانا حفظ و ارتقاء امنیت ملی، رونق و رفاه اقتصادی و به طور کلی تسریع فرایند توسعه و در نهایت گسترش اهداف آرمانی درازمدت است جامه عمل بپوشاند.

در عصر کنونی که گفتمان ژئواکونومی بر ژئواستراتژیک ارجحیت بیشتری پیدا کرده است، عملکرد دولت‌ها نیز از شکل سنتی «حفظ نظم و امنیت عمومی» به سوی برنامه ریزی و مسئولیت پذیری برای پیشرفت و توسعه سوق پیدا کرده است. در این شرایط امنیت ملی نه در انبوه جنگ افزارهای نظامی؛ بلکه باید در همکاریهای متقابل بین المللی در حوزه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی جستجو کرد. انتقال سرمایه‌های بین المللی و سرمایه گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی یک کشور باعث گره خوردن امنیت ملی با امنیت بین المللی می‌شود، مضافاً اینکه این سرمایه گذاری‌ها باعث کاهش مشکلات اقتصادی و اجتماعی گردیده ضمن تسریع فرایند توسعه ارتقاء امنیت داخلی را به ارمغان می‌آورد (Etaat,108-109).

سیاست دولت یازدهم در مساله هسته‌ای ایران، تلاش برای خروج پرونده ایران از شورای امنیت در کنار تکمیل فناوری هسته‌ای در کشور است. رئیس دولت وقت می‌گوید هم برای ایران و هم برای دشمنان و کشورهای غربی تنها روش، گفتگو و مذاکره است. مقصود دولت بایستی در نهایت این باشد که تحریم‌ها زدوده شود؛ چرا که به سود ملت ما نمی‌باشد. اینکه در کدام نشست و به چه شکل موضوع لغو تحریم‌ها را مطرح کنیم، یک تاکتیک مذاکره‌ای است. باید مقداری راهکارها و لحن و ادبیات مان تغییر کند. ضمن اینکه به نظم جهانی انتقاداتی دارم اما به معنی تقابل با دنیا هم نیست. باید به نوعی با دنیا در تعامل باشیم که هزینه‌هایمان را کاهش دهیم و خود را به مقاصد که در سند چشم‌انداز است نزدیک کنیم. اگر غرب حقیقتاً «به دنبال اعتماد نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای ایران است روشی جز مذاکره ندارد و ما هم برای نیل به حقوق مان و شکستن تحریم‌ها و گذر از مسیری که اکنون دشمن برای ما به وجود آورده است مذاکره بهترین روش است. در جهان سیاست خارجی نیاز است به دنبال یارگیری باشیم. در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ۳۵ کشور وجود دارد که باید از میان آنها یارگیری کنیم تا به مقصودمان برسیم. حسن روحانی گفته است بایستی اسلوبی را برگزینیم که ایران را به هدفش برساند نه راهی که تکبیرآفرین باشد. یکی از مجال‌هایی که برای آمریکایی‌ها موجود است در صحنه ۱+۵ است. اگر آنها قصد دارند در خصوص پرونده هسته‌ای سخن بگویند مذاکرات فرصت مناسبی است، اما اینکه آمریکا به جلسات می‌آید و سختگیری و مقاومت نایجا می‌کند فرصتی است که از دست می‌رود» (Rouhani.2012).

رویکرد دولت اخیر با این دیدگاه شکل گرفته است که؛ ما چه بخواهیم چه نخواهیم امروز در جهانی زندگی می‌کنیم که سلسله مراتبی دستوری است. در این جهان ایالات متحده ی آمریکا با تسلط بر حوزه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و ارتباطی قدرتی چهار بعدی است و سایر قدرت‌ها با وجود چالش‌های سطحی با این تک ابر قدرت سعی می‌کنند به سمت عدم تقابل با این قدرت بزرگ بروند. از طرف دیگر مابه عنوان رقیب ایدئولوژیک و استراتژیک آمریکا باید به تبیین یک استراتژی بهینه ای پردازیم تا نه تسلیم بی چون و چرای آن شویم نه به ورطه ی تقابل مستقیم با آن بیفتیم؛ مبادا به ابزاری در دست قدرت‌هایی تبدیل شویم که نمی‌خواهند هزینه ی تقابل با ایالات متحده را بپردازند ما را به عنوان هزینه ی این تقابل خرج نمایند. اگر بی توجه به واقعیات داخلی و خارجی

پیش رویم دورنیست که مجددا تاریخ تکرار شود و به مانند قطعنامه ی ۵۹۸ هرآنچه روزی با اکراه می شنیدیم اینک برای بقا با رغبت بپذیریم.

واقعیت این است ایالات متحده ی آمریکا هدفی جز به انزوا کشیدن، تحت فشار قرار دادن و در نهایت سرنگونی جمهوری اسلامی ندارد زیرا هنوز واقعیت این نظام را نپذیرفته است پس باید با یک بازی هوشمندانه دشمن را از مسیر خطرناکی که در پیش گرفته منحرف سازیم. این مهم در گروی ترسیم استراتژی عقلانی برای سیاست خارجی و ارائه ی دیپلماسی قوی و مبتنی بر توانایی ها و امکانات بالفعل و بالقوه ماست. ما می توانیم شرایط را به گونه ای رقم زنیم که ایالات متحده ی آمریکا را در موضع انفعال و پذیرش حق مسلم و قانونی در حفظ دستاورد های هسته ای خود قرار دهیم (Falahi, 84)؛ همان گونه که در رویکرد تعاملی به این مهم دست یافتیم.

با این رویکرد جدید دولت یازدهم، ایران و غرب کوشیدند در مذاکرات، نظرات خود را به شکل صریح تر به یکدیگر منتقل کنند. همچنین تلاش کردند مسائل باقیمانده در موارد کلی و جزئی را با تعامل یکدیگر حل کنند. اگرچه مذاکرات در چند مرحله تمدید شد اما بی نتیجه ماندن و شکست از همان ابتدا باتوجه به نوع نگاه دو طرف سخنی گزاف و بیهوده بود.

نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

شناخت موقعیت جغرافیایی و ژئوپولیتیکی، بخشی از اصل قدیمی است که در شکل کلاسیک خود بر جغرافیا عامل تعیین کننده اصلی تولید امنیت و قدرت توسط کشور در عرصه جهانی تأکید دارد. از دیدگاه سنتی، محل استقرار یک کشور، همسایگان آن، محورهای ارتباطی و منابع فیزیکی، عواملی تغییر ناپذیر و مصالحی بنیادی تلقی می شوند که اعمال یک حکومت را محدود می کنند یا برعکس می تواند توانایی زیادی را به یک کشور بدهد. واقعیات ژئوپولیتیک اثر قابل ملاحظه ای بر توانائی و قدرت حکومت در اقناع کردن، پاداش دادن، تنبیه کردن، چانه زنی و جنگ کردن با سایر کشورها را دارد. هرگاه موقعیت جغرافیایی کشوری یک موقعیت ژئواستراتژیک یا ژئوپولیتیک باشد، هیچ گاه نمی تواند خود را از تحولات جهان دور نگه دارد یا به عبارت دیگر منزوی باشد؛ چرا که به ناچار بخشی از یک استراتژی نظامی خواهد بود و باید سعی کند با درک موقعیت، به عنوان یک وزنه استراتژیک وارد عمل شود و با بهره گیری از موقعیت خاص جغرافیایی، برای پیشرفت و توسعه کشور گام بردارد.

موقعیت ژئوپولیتیک ایران فرصت هایی استثنائی را فراروی کشور قرار داده است که می توان به قرار گرفتن آن بین دو قطب انرژی (بیضی استراتژیک)، مسیر مطمئن و به صرفه خطوط انتقال انرژی به عنوان گلوگاه انرژی منطقه و امکان ورود ایران به بازارهای کشورهای آسیای مرکزی اشاره نمائیم؛ که نشان دهنده «جایگاه و موقعیت باارزش ایران در محیط ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک اوراسیا» است.

ایران به طور بالقوه در موقعیت جغرافیایی و ژئوپولیتیکی قرار گرفته که به خودی خود بسیار مؤثر و مهم است و این موضوع می تواند ما را تبدیل به یک قدرت مهم و تاثیرگذار در عرصه منطقه ای و جهانی کند. بالفعل درآوردن پتانسیل های موجود ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت برتر منطقه ای را نیازمند هدف و برنامه ریزی است.

همانطور که در نظریات ژئوپولیتیسین ها به عنوان نقطه مشترک می توان یاد کرد، جایگاه مهم و اهمیت زیاد ژئوپولیتیکی ایران است که در صورت استفاده بهینه از این قابلیت فرصتی استثنائی جهت تسلط بر منطقه و ارتقاء سطح قدرت و انتقال از جایگاه فعلی به یک قدرت منطقه ای فراروی آن خواهد بود. با بی توجهی به این شرایط، ضمن فراهم شدن زمینه‌های اساسی در افزایش هزینه‌ها و تحریک بی اعتمادی بین‌المللی و نیز با کاهش نیاز بین‌المللی به کارکردهای ناشی از موقعیت ژئوپولیتیکی کشور، تدریجا هم‌افزایی در تولید تهدیدات ژئوپولیتیکی، جانشین پتانسیل ها و ارزش های ژئوپولیتیکی ایران می‌شود. با توجه به این شرایط یعنی شرایط و ویژگی های بارز ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک ایران می توان این نکته را یادآوری کرد که دور نگهداشتن ایران از تحولات جهانی مقدور نیست و در این راستا با توجه به نظام حاکم بر جهان و اتخاذ سیاست متناسب با این نظام و موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک ایران حیاتی است.

ایران یکی از مهم‌ترین قدرت‌های منطقه و شاید بتوان اذعان داشت پراهمیت‌ترین قدرت منطقه‌ای است که هر رویدادی در آن انعکاس جهانی پیدا می‌کند. باید توجه داشت که نقطه عطف بسیاری از بحران‌ها در منطقه در وضعیت کنونی، مسئله‌ای تحت عنوان «روابط ایران با غرب» است. نقطه مرکزی این گره اساسی نیز در پرونده هسته‌ای است، بنابراین حل و فصل پرونده هسته‌ای می‌تواند گره مسائل منطقه‌ای را باز کند و به تبع آن تأثیرات بسزایی در بازگشایی گره‌های دیگر منطقه‌ای در نظام جهانی داشته باشد.

این موضوع یعنی مسئله هسته‌ای یک نمونه واضح و مستدلی در استفاده از سیاست‌های مختلف در راستای منزلت و موقعیت ژئوپولیتیک ایران در بوده که تأثیر این سیاست‌ها به صور مختلفی خود را در افزایش یا کاهش وزن ژئوپولیتیک ایران در منطقه و جهان را نشان داده است؛ که می‌توان آن را در سه دوره مختلف با سه رویکرد مختلف به ترتیب ۱- سازش ۲- اعتراضی ۳- تعاملی ذکر کرد؛ که تأثیرات اتخاذ هر یک از سیاست‌های مذکور در موقعیت ژئوپولیتیک کشور نمود روشنی داشته است. دوره اول یا همان دوره سازش که در شان و منزلت هیچ کشور مستقلی نیست آن‌هم کشوری با جایگاه و منزلت جغرافیایی و ژئوپولیتیک مانند ایران. این رویکرد نتوانست در جهت افزایش وزن ژئوپولیتیک و در نتیجه افزایش نفوذ و قدرت ایران در منطقه و جهان عمل کند. سیاست اعتراضی این سیاست به تضعیف کارکردهای ناشی از موقعیت ژئوپولیتیک و در نتیجه وزن ژئوپولیتیکی ایران انجامید زیرا با توجه به عدم درک و شناخت مناسبات حاکم بر جامعه جهانی و موقعیت ژئوپولیتیکی ایران اتخاذ شده بود که پیامدهای اتخاذ این رویکرد همانند رویکرد سازش البته با شدت بیشتر صدمات سخت و شاید جبران‌ناپذیری را متحمل کشور کرد؛ اما سیاست تعاملی با حفظ شان و منزلت ژئوپولیتیکی ایران در توافق صورت گرفته بهترین امکان را برای علایق ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک ایران در منطقه و جهان را فراهم آورده است بدین معنا که موقعیت و جایگاه ایران به‌عنوان دستمایه و پشتوانه‌ای برای تعامل ایران با نظام بین‌المللی قرار گیرد تا در پرتو آن ایران بتواند با استفاده از دانش، سرمایه و تکنولوژی جهانی امنیت ملی را تأمین و فرایند توسعه ایران را تسریع نماید؛ که این رویکرد اخیر

می‌تواند چراغ راه افزایش جایگاه و منزلت ژئوپولیتیک ایران در بقیه موارد اختلاف با جامعه جهانی در جهت منافع و مصالح ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک ایران نیز باشد.

منابع

- Ahmadi, Abas(2005)Iran places in the Geopolitical Theores ,Tehran: Initial of Iranian Association Of Geopolitics Congress ,Fall 2005,277-297. [In Persian]
- Ahmadipour,Zahra,Mirshekaran,yahya,Visi,Hadi,(2008), The role of nuclear energy in Iran's geopolitical weight(With emphasis on the Persian Gulf region), Quarterly Modares Humanities ,No1.Tehran[In Persian]
- Crikemans, David, 2009, Where 'geopolitics' and 'foreign policy analysis' once met: the work of Harold and Margaret Sprout and its continued relevance today September
- Doerti&Faltz Graf,(1993), Conventional theory in international relations, Translation :Taeib& Bozorgi, publiture:GHOMES,Tehran. [In Persian]
- Etaat, Javad:(2013),The Principle of Sustainable Development In Iran,Sector2,Book3, Foreign Policy and Development In Iran, Publisher Ney, Tehran. [In Persian]
- Ezedi,Jahanbakhsh,(2011), Strategies to achieve effective and constructive engagement of Iran in the international system.Tehran:Rahnameh Quarterly intercepted a policy,vol:2,No:3[In Persian]
- Ezati, Ezatallah,(2007),Geopolitics ,SAMT official publishers of text books. Edit7,pp:75 [in Persian].
- Falahi,Sara(2007),Comparison of nuclear diplomacy during the presidency of Mohammad Khatami and Mahmoud Ahmadinejad, Journal of Political Science,No6.Tehran[In Persian].
- Ghahramanpour,Mostafa,(2008), Nuclear Iran symbol of national will against the hegemonic system , the office of political studies Majlis research center(MRC),Edit1[In Persian]
- larijani,ali(2005), Iran's nuclear policy : challenges and solutions, Hamshahridiplomatik (12/9/1384),No76,8. [In Persian]
- Mojtaned-Zadeh, pirouz,Rashidinejad,Ahmad,(2002), Geopolitical analysis of Russian foreign policy in relation to Iran's nuclear program(2000-2008),Geopolitices Quarterly, summer, No2. [In Persian]
- Mojtaned-Zadeh,pirouz (2002)(Persian text), Joghrafiaye Siasi va Siasat-e Joghrafiaye (Political Geography and Geographical Politics), publisher SAMT, Tehran. [In Persian]
- Rashnou,Nabiallah& Hamidifarahani, Homauon,(2013), Look at the geopolitical and economic diplomacy of the Islamic Republic of Iran,publiture:Iranian National Center for Golobalization Studies,Edit1,Tehran. [In Persian]
- Rashnou.Nbiallah,(2001), Hunting opportunities geopolitical ,Hayat No newspaper(6/9/1380). [In Persian]
- Rouhani,Hasan(2012), National security and nuclear diplomacy,Edition3,Majmah Tashkhis Maslahat Nezam, Center for Strategic Research,1209[In Persian]
- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940305000040>
- <http://shehr.persiangig.com/iran.pdf>
- www. isisonline. org/publications/iran/albrighttestimony15march2014
- www.Khabaronline.ir